

آثار و تبعات مال حرام



هدف از خلقت انسان این است که عروج کند و بُعد جسمی او براق شود و حرکت کند و برسد به جایی که به جز خدا نداند؛ یعنی برای حرکت استکمالی و غیرمتناهی خلق شده و اگر در راه بیفتد، تا خدا، خدایی می‌کند حرکت استکمالی و رو به قرب او ادامه خواهد داشت.

آیت‌الله العظمی مظاهری

هدف از خلقت انسان این است که عروج کند و بُعد جسمی او براق شود و حرکت کند و برسد به جایی که به جز خدا نداند؛ یعنی برای حرکت استکمالی و غیرمتناهی خلق شده و اگر در راه بیفتد، تا خدا، خدایی می‌کند حرکت استکمالی و رو به قرب او ادامه خواهد داشت.

در واقع، انسان برای صعود خلق شده، اما متأسفانه گاهی با اختیار خودش، به جای صعود، راهی را برمی‌گزیند که به سقوط او منتهی می‌شود و اگر توجه پیدا نکند، سقوط او ابدی خواهد بود و به پست‌ترین و نازل‌ترین طبقه جهنم می‌افتد.

&171# إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ [1]

ذره‌ای انحراف از راه مستقیم، منجر به سقوط انسان می‌شود. در جمله &171#171؛اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» که دستور داده شده در نماز بخوانیم و باید توجه به معنای آن داشته باشیم، از خداوند می‌خواهیم که حالت انحراف چه به چپ و چه به راست برای ما پیدا نشود و توفیق الهی را ضمیمه همت خویش کنیم تا به مقصد برسیم.

اگر همت و توفیق به صورت توأمان باشد، هدایت عنائی پروردگار دست انسان را می‌گیرد و او را در راه مستقیم که از مو باریک‌تر، از آتش سوزنده‌تر و از شمشیر برنده‌تر است، هدایت می‌کند تا به لقای خداوند سبحان نائل شود. موفقیت در این راه، محتاج توجه است و تمسک به قرآن و عترت نیز راهنمای او و توسل به اهل‌بیت &171#171؛سلام‌الله‌علیهم» راه‌گشای وی خواهد بود.

* مال حرام، یکی از عوامل سقوط انسان

در جلسات گذشته، نه عامل از عوامل سقوط انسان، تبیین شد. بحث این جلسه راجع به عامل دهم، یعنی مال حرام است. خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حرام، اقسامی دارد که مواد مخدر و روان‌گردان یا مشروبات الکلی و مست‌کننده، از جمله آن است که آدمی را نابود می‌کند؛ اما آنچه اکنون مورد بحث ماست، غذای حرام است که منجر به سقوط انسان می‌شود.

تعالیم قرآن و عترت، سفارش فراوانی برای اجتناب از غذای حرام دارند. حتی قبل از انعقاد نطفه، دستورهای برای رعایت حلال بودن غذای پدر و مادر، وارد شده است، زیرا غذای حرام برای نطفه بسیار خطرناک است. در تعالیم دینی تأثیرات سوء غذای حرام بر روح آدمی بیان شده و از این جهت در دین مبین اسلام، درباره حلیت غذای مادر در دوران بارداری و شیردهی و نیز غذایی که کودک در طفولیت می‌خورد و همچنین غذای انسان تا پایان عمر، تأکیدات فراوانی وجود دارد.

* برخی از پیامدهای مال حرام

یکی از پیامدهای غذای حرام، این است که توجه و بیداری را از انسان سلب کرده، او را در غفلت فرو می‌برد. وقتی چنین شد، حال عبادت ندارد، از نماز لذت نمی‌برد و بدتر از آن، از گناه لذت می‌برد. به مرتبه‌ای از سقوط می‌رسد که رابطه با خدا برایش مشکل است و نه تنها موفق به خواندن نماز شب نمی‌شود، بلکه توفیق نماز اول وقت نیز از او سلب می‌شود.

از دیگر پیامدهای مال حرام، پدید آمدن جهل مرکب برای انسان است. به این معنا که کار زشت در نظر او جلوه نیکویی دارد. قرآن کریم، ورشکسته‌ترین افراد در قیامت را کسی می‌داند که اعمال ناشایست خود را نیک می‌پندارد.

&171#171؛قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» [2]

بگو: &171#171؛آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟» [آنان] کسانی‌اند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.

افراد جامعه‌ای که مبتلا به مال حرام است، دچار جهل مرکب می‌شوند. چنین اجتماعی می‌رسد به آنجا که از لحاظ فرهنگی مشکلات

فراواني دارد، اما تخيل مي‌کند که از برترين فرهنگ‌ها برخوردار است. فرهنگ اسلام در بين افراد آن جامعه، خرافي تلقی مي‌شود؛ چادر بين آنان ارزش ندارد، بلکه یک خرافات است، پوشش غربي را امتياز مي‌دانند، دين، نماز، مسجد و محراب را مسخره مي‌کنند و رفتارهاي زشت و ناپسند و فرهنگ غرب را نيکو مي‌دانند. ظلم، در چنين جامعه‌اي معتبر است و ربا و رشوه، در بين افراد آنان عادي است و امتياز به شمار می‌رود.

مال حرام، رابطه انسان با خداوند را به کلي قطع مي‌کند و او را به شيطان متصل مي‌نمايد. وقتي با شيطان مرتبط شد، به راهي مي‌افتد که منتهاي آن سقوط است و تا پايان عمر سراشبي سقوط را می‌گذراند تا بميرد. متأسفانه در آخرت نیز سقوط او ادامه دارد. خدا نکند کسي به اين مقام پست تنزل يابد که سقوطش، حتي در جهنم نیز ادامه دار باشد.

افزون بر اين، کسي که مال حرام کسب کرده، در قيامت بايد حق‌الناس را جبران نمايد و اين جبران ربيطي به سقوط او و عذاب جهنم ندارد. خداوند متعال به عزّت و جلال خود قسم خورده و فرموده است که: ممکن است از حق خودم بگذرم، اما از حق‌الناس نخواهم گذشت؛ بنابراین در قيامت، عبادات و اعمال نیک بدهکار را به بستانکار مي‌دهند تا راضي شود؛ و اگر عمل نيکي نداشته باشد يا اعمال او تمام شود، گناهان بستانکار را به پرونده بدهکار منتقل مي‌کنند.

غذاي حرام، تبعات فراوان ديگري نیز دارد که در اين جلسه فرصت شرح آن وجود ندارد، اما همين مقدار بايد دانست که مال حرام، انسان را به سقوط مي‌کشانند و شقاوت ابدی را براي او رقم خواهد زد؛ بنابراین، به دست آوردن غذاي حلال، به ويژه در زمان حاضر، در حالي که بسيار مشکل است، بسيار لازم است.

* برخورد امام صادق(ع) با سود حاصل از گران‌فروشي

امام صادق - سلام‌الله‌عليه - روزي یک غلام خود را خواستند و فرمودند: من براي خرج و مخارج زندگي به درآمد نياز دارم. سپس یک کيسه پول، شامل هزار سکه به او دادند و فرمودند: با اين پول تجارت کن. آن غلام نقل مي‌کند که با آن پول، جنسي خريدم و همراه با تجار، به سوي مصر رفتيم. در راه قافله‌اي راديديم که از مصر برمي‌گشت، از اوضاع جنسي که داشتيم سراغ گرفتيم، گفتند: جنس شما در مصر مورد احتياج همه است. تجار قافله نیز براي سود بيشتر، هم قسم شدند که اجناس خود را به دو برابر قيمت خريد، بفروشند. مي‌گويد: از سفر برگشتم و با خوشحالي دو کيسه پول در مقابل امام صادق(ع) گذاشتم و گزارش تجارت خود را دادم. آن حضرت از گران‌فروشي من خيلي ناراحت شدند و فرمودند: سبحان الله! هم قسم مي‌شويد که در مقابل هر دينار يك دينار سود از مسلمانان بگيريد؟ مبلغ اوليه خودشان را برداشتند و سود معامله را پس دادند و فرمودند: من احتياج به چنين سودي ندارم. سپس روايتي خواندند که بايد سرمشق زندگي ما باشد:

«#مُجَادِلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَالِ» [3]

يعني انسان در خط مقدم جبهه باشد، آسانتر از اين است که بتواند مال حلال به دست بياورد، اما تلاش براي کسب حلال، ضروري است. حتي اگر لازم باشد کسي براي پرهيز از مال حرام، گرسنگي بخورد، معلوم است که بايد آن گرسنگي را تحمل کند و به حرام نيفتد.

* تأثير سوء مال حرام در تربيت فرزندان

مال حرام، نه تنها خود انسان را به سقوط مي‌کشانند، بلکه فرزندان او را نیز بدبخت مي‌کند. وضعيت تأسف‌آور فرهنگي و فساد اخلاقي رايج در جامعه کنوني در اثر مال حرام است که پدر و مادرها به خورد فرزندان مي‌دهند. وضعيت بعضي دختران و پسران جوان خيلي بد است تا جايي که مي‌توان گفت: عفت عمومي و غيرت عمومي نداريم و فساد اخلاقي، با کمال شهامت در جامعه ما حکم‌فرماست. عفت از زن‌ها و غيرت از مردها رفته و کار به جايي رسيده که بي‌عفتي و بي‌غيرتي تبديل به ارزش شده است.

چرا چنين شده است؟ ما که شيعه هستيم، ما که از نظر عقیده به اسلام و تشيع و از نظر شعار، در حدّ مطلوبي هستيم و به اهل‌بيت - سلام‌الله‌عليهم - عشق مي‌ورزيم. پس چرا چنين شده است؟ به خاطر غذاي حرام.

در اداره‌هاي ما، بي‌کاري و رشوه‌خواري وجود دارد. معلوم است کسي که رشوه بخورد يا در اداره، کم کاري و بدکاري داشته باشد، درآمد او حرام است و دختر و پسر او در اثر لقمه حرام، دچار بي‌عفتي مي‌شوند و بدتر اينکه، بي‌عفتي نزد آنان، تبديل به ارزش مي‌شود؛ با مسجد و معنويّات سر و کار ندارند و روحانيت را خرافات مي‌دانند، شبانه روز مشغول تلفن همراه خود هستند که براي برخي جوانان، خانه شيطان شده است.

بازار ما، بازار اسلامي نيست؛ ربا، گرانفروشي و كمفروشي به طرز عجيبی رونق دارد و غش در معامله در بازار فراوان است. معلوم است چنين تاجر يا كاسبی نمي‌تواند دختر و پسر مقدس تحويل جامعه بدهد؛ لذا گاه خودش مسجدي است اما پسر و دخترش نه اينكه حال مسجد ندارند، بلكه پدرشان را هم براي رفتن به مسجد مسخره مي‌كنند. وقتي خمس در جامعه يك ضد ارزش باشد، معلوم است غذاي افراد آن جامعه حرام است. وقتي اين حرام را بچه‌ها بخورند، نه تنها راجع به دين، كسل و غافل مي‌شوند، بلكه سقوط عجيبی مي‌كنند.

* عبرت از تاريخ

جوان‌ها! از تاريخ عبرت بگيريد. در زمان متوكل عباسي، يك عالم مقدس به نام شريك، با دربار ارتباط پيدا كرد. متوكل از او تقاضا كرد كه قاضي‌القضات شود. او با كمال شهامت گفت: دستگاه تو ظلم است و آن رياست را نپذيرفت. گفت: دست كم معلم فرزندانم باش. گفت: آن هم اعانت به ظلم است و نمي‌پذيرم. متوكل گفت: پس شام ميهمان ما باش. شريك كه بهانه‌اي براي مخالفت نداشت، شام سلطنتي را خورد و به خانه رفت.

وقتى به خانه رفت، افكار انحرافي در اثر خوردن مال حرام، در او رخنه كرد. معنا ندارد كه انسان غذاي حرام خورده باشد و فكر او الهي باشد يا با خدا و معنويات سر و كار داشته باشد. مال حرام، ابزار بسيار خوبي براي شيطان است و كار او را راحت مي‌كند؛ بنابراين، فكر و توجيه شيطاني به سراغ او آمد. گفت: اگر من مقام قضاوت را بپذيرم، مي‌توانم از اين طريق، خدمتي به خلق خدا بكنم. وسوسه شيطان او را فرا گرفت و رياست قوه قضائيه حكومت متوكل را در نظر او امري مقدس جلوه داد. سپس با خود گفت: اگر من بتوانم فرزندان متوكل را تربيت كنم، ارزشمند است و چرا اين امر مقدس را نپذيرفتم؟

از شب تا صبح افكار شيطاني را مرور مي‌كرد و صبح روز بعد به نزد متوكل رفت و هر دو سمت را پذيرفت. متوكل نيز به جبران خدمات او به دربار، يك حقوق حسابي براي او تعيين كرد.

غذاي حرام، حتي به اندازه يك شام، با انسان چنين مي‌كند كه دين خود را در معرض فروش قرار مي‌دهد. جالب آنكه خود شريك هم توجه و اقرار به انحراف و دين فروشي خود داشت، ولي تأثير مال حرام، اجازه بازگشت به او نمي‌داد. روزي هنگام دريافت حقوق، ديد كه يكي از سكه‌ها معيوب است. آن سكه را براي تعويض، به مأمور پرداخت برگرداند. آن مأمور گفت: يك سكه معيوب در بين آن همه سكه چه اشكالي دارد؟ مگر ارث پدرت را در ازاي اين حقوق فراوان داده‌اي؟ شريك گفت: نه، دينم را به خاطر دريافت اين پول‌ها داده‌ام و لذا از يك سكه هم نمي‌گذرم.

اميرالمؤمنين - سلام‌الله‌عليه - وقتي آگاه شدند كه استاندار ايشان به ميهماني اشراف رفته و به طرز آنان غذا خورده است، بسيار ناراحت شدند و نامه تندي به او نوشتند و فرمودند: رفتن به منازل تشريفاتي و خوردن غذاهاي تشريفاتي سزاوار استاندار من نيست. سپس فرمودند: من كه امام مردم هستم، در روز به دو قرص نان جو دو تا پيراهن وصله‌اي، بسنده كرده‌ام. مگر مي‌شود من بيت‌المال مسلمانان را هدر دهم و غذاي خوب و لباس خوب داشته باشم؟[4]

اداري‌ها، بازاریان، اهل علم و سرانجام، همه و همه بايد بدانند كه غذاي حرام انسان را به سقوطي مي‌كشاند كه برخی اوقات برگشت هم ندارد؛ يعني گاهي انسان چنان سقوط مي‌كند كه اگر هم بخواهد نمي‌تواند راه رفته را بازگردد.

سلمان فارسي مي‌گويد: در دوره آخر زمان، مردم، افراد متقي را ديوانه مي‌خوانند و متقين نيز ساير مردم را شيطان مي‌دانند. به راستي هم امروزه شياطين، جامعه را فراگرفته‌اند و راجع به غذاي حرام، هيچ اهميتي قائل نيستند و تصور مي‌كنند كه آدم‌هاي خوبي نيز مي‌باشند. ربا و رشوه، سر تا پاي برخي را گرفته و بالاخره غذاي حرام هم شكم خودشان و هم شكم خانواده آنان را پر كرده است. در قيامت، همين فرزندان از پدر خود شكايت مي‌كنند كه خدايا ما در اثر مال حرام كه او به خورد ما داد، منحرف شديم و از پدر خود بازخواست مي‌كنند، در حالي كه آن پدر براي رفاه همين زن و فرزندان و تأمين دنياي آنان به حرام افتاده و جهنمي شده است.

منبع: حوزه نيوز